



The Validation of the Hadiths Concerning the City of Rey^۱

Tala't Hassani Bafarani^۲

Ashraf Barati^۳

Abstract

Nowadays the narrations concerning the condemnation and praise of cities are one of the most controversial issues in the field of hadith research. The study and critique of narrations related to the city of Rey is the issue of this research. The narrations related to the city of Rey have been mentioned in various books and researches, but they have only mentioned the existence of some of such narrations and have often made prejudices without examining the source and meanings. Despite the importance of criticizing and reviewing these narrations, the dimensions of the reason for issuing and attributing these narrations to the Infallible (A.S) have not been explored yet. Since some narrations related to Rey have had incorrect consequences about this city, it has doubled the necessity of examining and validating these narrations. This article evaluates and critiques the documental chains and text of the narrations concerning Ray as in some of which the city is referred to as being called "Zawra". Although some historical and geographical books mention praises about the city of Rey, some narrations also mention the condemnation of this city and the developments of Rey at the end of times [akhir al-zaman]. Studies have indicated that most of the narrations concerning Ray from Sunni history and geography books have entered the Shiite hadith heritage. Some of these narrations are weak in terms of authenticity and textuality in ascribing to the infallible. Some of them are famous and fabricated sayings that have been forged and attributed to the Imams due to the social conditions of the time.

Keywords: Validation, Narrations Concerning the Cities, Rey, Zawra', Condemnation of Places, Critique of Hadith.

^۱. Date of Submit: ۱۵، October, ۲۰۲۰ and Date of Accept: ۲۴، January, ۲۰۲۱.

^۲. Assistant Professor, Faculty Member of Qom University, Department of Quranic and Hadith Sciences; (t.hasani^{۱۶}@gmail.com).

^۳. MS Graduate of Hadith Sciences, Qom University, (asaref^{۱۴۰۰}@gmail.com), (Corresponding Author).



اعتبارسنجی احادیث شهر ری*

طلعت حسنی بافرانی** و اشرف براتی***

چکیده

روایات مذمت و مدح شهرها امروزه یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در عرصه حدیث پژوهی است. بررسی و نقد روایات مربوط به شهر ری مسئله این پژوهش می‌باشد. روایات مربوط به شهر ری در کتاب‌ها و پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته، اما صرفاً به وجود برخی از این روایات اشاره کرده و غالباً بدون بررسی مصدری و دلالتی، پیش‌داوری‌هایی انجام داده‌اند. با وجود اهمیت نقد و بررسی این روایات، ابعاد سبب صدور و نسبت این روایات به معصومان علیهم‌السلام کاویده نشده است. از آنجا که برخی روایات مرتبط به ری تبعات نادرستی درباره این شهر را به همراه داشته، ضرورت بررسی و اعتبارسنجی این روایات را دو چندان کرده است. این نوشتار به ارزیابی و نقد سندی و متنی روایات ری که در برخی از آن‌ها این شهر با نام «زوراء» یاد شده، می‌پردازد. گرچه در برخی از کتب تاریخ و جغرافیا مدح‌هایی درباره شهر ری ذکر شده، اما روایاتی نیز به مذمت این شهر و تحولات ری در آخرالزمان اشاره کرده است. بررسی‌ها نشان داد بیشتر روایات ری از کتب تاریخ و جغرافیای اهل سنت وارد تراث حدیثی شیعه شده است. برخی از این روایات از نظر صحت و نسبت به معصوم دچار ضعف سندی و متنی هستند. دسته‌ای از آن‌ها نیز سخنان مشهور و ساختگی هستند که بنا بر اوضاع اجتماعی زمانه جعل شده و به انمه نسبت داده شده است.

واژگان کلیدی: حدیث، اعتبارسنجی، روایات شهرها، ری، زوراء، مذمت مکان‌ها، نقد الحدیث.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم؛ (t.hasani16@gmail.com).

*** کارشناسی ارشد علوم حدیث، دانشگاه قم؛ (نویسنده مسئول): (zokr.barati@yahoo.com).

مقدمه

شهر ری یکی از شهرهای باستانی است که از دیرباز مورد توجه مورخان، حاکمان و جغرافی دانان قرار گرفته و مدح و ستایش این شهر در کتب تاریخی و جغرافیا، ثبت گردید در مقابل این مدح‌ها برخی از منابع حدیثی روایاتی در مذمت شهر ری و حوادثی که در آخرالزمان در این شهر رخ می‌دهد، ذکر کرده‌اند. برخی از روایات نیز از ری با عنوان زوراء یاد کرده‌اند. از آنجایی که تحولات و حوادث آخرالزمان یکی از موضوعات بحث برانگیز در دوران معاصر است و این گونه روایات تطبیقات نادرست برخی از وقایع و حوادث طبیعی را به همراه داشته است. همین امر لزوم اعتبار سنجی روایاتی که مربوط به مذمت شهر ری و حوادث آخرالزمان در این شهر است را دو چندان می‌کند. برخی از پژوهش‌گران روایات فضیلت و مذمت برخی از شهرها، صحت و سقم انتساب این روایات به معصوم علیه السلام را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. علی محمد ولوی و هانیه بیک در مقاله‌ای انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین را نگاشته‌اند. منصوره کریمی قهی انگیزه‌های فضیلت سازی برای اقوام و شهرها را به رشته تحریر در آورده است. در ترجمه و شرح برخی کتب حدیثی متقدم همچون الخصال شیخ صدوق، شرح مختصر الفاظ و بررسی دلالتی و سندی روایات ری صورت پذیرفته است، اما روایات شهر ری با وجود اهمیت و تطبیقات نادرستی که با وجود این روایات به ری نسبت داده‌اند تاکنون مورد ارزیابی و بررسی سندی و متنی جامع قرار نگرفته‌اند؛ روایات مربوط به شهر ری در سه بخش: الف) پیشینه تاریخی و روایی شهر ری؛ ب) روایات مذمت ری و اعتبارسنجی آن؛ ج) روایات آخرالزمان ری و ارزیابی آن همچنین روایاتی که در آن‌ها از ری با عنوان زوراء یاد شده مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده بر آن است با مروری بر تاریخچه شهر ری، روایات مربوط به این شهر را که عمدتاً در مذمت شهر و ساکنین آن و نقش آن در آخرالزمان در منابع شیعی و اهل سنت وارد شده‌اند، همچنین روایاتی که ری را زوراء ذکر کرده‌اند، مورد ارزیابی و بررسی مصدری و دلالتی قرار دهد و از صحت یا عدم صحت انتساب این دسته روایات به معصوم علیه السلام، پرده بردارد.

الف. پیشینه تاریخی و روایی شهر ری

گرچه در بنای شهر ری اختلاف نظر بسیاری وجود دارد، حموی بنای شهر ری را به مردی به نام ری، از بنی شیلان بن اصفهان بن فلوج - بن سام بن نوح - نسبت داده است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۷/۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۴۲/۲۲)، اما قدمت ری را هفتم - هشتم قبل از میلاد تخمین زده‌اند. ری،



یکی از شهرهای جلگه‌ای جنوب غربی دماوند است که از یک طرف به قم و از سوی دیگر به قزوین متصل است (دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۵: ۴۱۶/۸). نام شهر ری در یونانی «راگو، راگا، راکیا» در سریانی «ری - دورا» در زبان ارمنی «ری» ضبط شده است. در عهد ساسانیان، این شهر را «ری» و «ری اردشیر» و «رام اردشیر» یا «ریشهر» و نیز «رام فیروز» نامیده‌اند (کریمان، ۱۳۴۵: ۶۷/۱). این شهر در گذشته به ام البلاد و به سبب قدمت تاریخی به شیخ البلاد مشهور بود.

در زمان خلفای عباسی، نام رسمی ری، محمدیه نامیده شد (ملکی میانجی، ۱۳۸۳: ۸۸). درباره تاریخ فتح ری اقوال مختلفی بیان شده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۴/۳؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۸/۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۲۵. کریمان، ۱۳۴۵: ۱۵۲/۱). بعد از فتح ری علاوه بر صاحبان برخی از تابعین نیز در ری سکونت داشتند (ابن حجر، ۱۳۲۵: ۴۵۳/۴؛ همو، ۱۳۲۵: ۳۱۷/۳؛ یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲/۱۶۴؛ همو، ۱۶۲/۲). در زمان بنی امیه حاکمانی وارد ری شدند و به سبب عداوت با اهل البیت، به سبب امام علی علیه السلام مبادرت کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۴۱۳/۳ - ۴۱۴ کریمان، ۱۳۴۵: ۱۱۹/۲). برخی پژوهشگران این امر را نشان دهنده گرایش مردم ری به ناصبی گری دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۱)، اما شواهد ورود تشیع در دوران خلافت، امام علی علیه السلام با فرستادن دو والی به ری (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۰۵/۱؛ بلاذری، ۳۱۴/۱۹۸۸، ۳۱۱؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۸۶). و وجود تعدادی از اهل ری در بین یاران زید بن علی، قابل اثبات است (ابو فرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۲۳، ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۲۵/۸). در اواخر سده دوم در دوران عباسیان برخی از عالمان اهل سنت به خاطر حب اهل البیت علیهم السلام روایات فضائل اهل البیت علیهم السلام را روایت کردند که از جانب متعصبان متهم به تشیع شدند. این اقدام نخستین قدم در نفی ناصبی گری و زمینه سازی رواج تشیع در ری بود (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۵ - ۱۶). حاکمیت آل بویه در ری، وجود اصحاب ائمه با لقب رازی و ارتباط برخی از ایشان با سازمان وکالت معصومان علیهم السلام، عامل اصلی درگسترش تشیع اصیل در ری بود. (کشی، ۱۳۴۸: ۵۷۹؛ جباری، ۱۳۸۲: ۱۱۸/۱؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۴۳۹).

احادیث ری

در مکتوبات تاریخی و روایی مدح و مذمت ری دو گونه ذکر شده است: گونه اول شامل مدح و ذم ری در دیدگاه جغرافی دانان و مورخین است. در اوستا شهر ری تقدیس شده و از آن به‌عنوان یکی از دوازده شهری که اهورامزدا آفریده یاد شده است. (دارمستتر، ۱۳۸۸: ۶۹). در تورات ری یکی، از دروازه‌های جهان و تجارتخانه مردم ذکر شده است، اصمعی این شهر را عروس شهرها نام نهاد.

(یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۸/۳). هارون الرشید این شهر را یکی از چهار منزل دنیا توصیف کرده است (عبدالغنی مرسی، ۱۴۱۸: ۱۴). برخی مورخین و جغرافیدانان ری را چهارمین اقلیم از هفت اقلیم و اشرف اقالیم خوانده‌اند. ایشان شهر ری را متعلق به آفتاب دانسته و ساکنان این اقلیم را برترین فرزندان، آدم در خلق و خوی بر شمردند. (رازی، ۱۳۷۸: ۵۱۸/۲). احمد بن اسحاق رازی، ری را شاهراه دنیا و میانجی خراسان، گرگان، عراق و طبرستان دانسته و در خلقت، بهترین سرزمین بر شمرده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۴۰). در مقابل برخی نیز به آلودگی و وبا انگیزی آب‌های این شهر اشاره کرده و طالع ری را در برج عقرب دانستند (کریمان، ۱۳۴۵: ۹۰/۱). شاعران عرب (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۷/۳ - ۱۱۸) و عجم اشعاری دربارهٔ نحسی طالع و مذمت ری سرودند (خاقانی، ۱۳۸۲: ۸۴، ۴۴۴).

گونه دوم، روایاتی است که در تراث حدیثی شیعه و در برخی از کتب جغرافیا شهرها در مذمت ری و ویرانی این شهر در آخرالزمان ذکر شده است. بنابراین روایات ری در دو دسته روایات مذمت ری و روایات ری در آخرالزمان قابل بررسی است.

ب) روایات مذمت ری و اعتبارسنجی آن

۱. مذمت ری در منابع اهل سنت

بیشترین حجم روایات مذمت شهر ری در منابع اهل سنت ذکر شده است. در ذیل به بررسی این روایات پرداخته شده است.

حدیث اول:

«قال صادق عليه السلام: أنه قال: الری وقزوین و ساوة ملعونات و مشؤومات» (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۴۳؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۸/۳)؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: ری و قزوین و ساوه لعنت شده و شهرهای بدیمنی هستند.

ارزیابی سندی:

کهن‌ترین منبع این روایت اخبارالبلدان ابو عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق همذانی معروف به ابن فقیه (م ۳۶۵)؛ سنی مذهب در سده چهارم هجری است (یاقوت حموی، ۱۴۱۴: ۴۵۹/۱ - ۴۶۰). بعد از او در سده هفتم کتاب معجم البلدان، با موضوع جغرافیای شهرها، به نقل از اصمعی به صورت مرسل این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل کرده است. در سده یازدهم هجری نخستین بار علامه مجلسی



این روایت را در بحارالانوار به نقل از معجم البلدان ذکر کرده است (مجلسی، [بی‌تا]، ج ۲۲۹/۵۷). بدین ترتیب این روایت از طریق اهل سنت به صورت متفرد و مرسل وارد تراث حدیثی متأخر شیعی شده است (نمازی، [بی‌تا]، ج ۲۷۰/۴، یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۸/۳). شاید عدم ذکر سند در کتاب جغرافیا طبیعی به نظر برسد، اما در تراث روایی متقدم شیعه روایاتی هم مضمون با این روایت یافت نشد و همین این امر احتمال جعل و ساختگی بودن روایت را تقویت می‌کند.

ارزیابی متنی:

لغت شناسان لفظ «شوم» را مترادف با نحس قرار داده‌اند و «شوم» را به معنای «سرخ شدن افق همچون مس گداخته» بیان کرده‌اند. «شوم» در اصطلاح، به هر چیز نحسی شوم گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۴). لفظ شومی که در روایت ذکر شده است، معنای نحوست این شهرها را متبادر می‌کند. چنان‌که برخی دلایلی برای نحسی این شهر ذکر کرده‌اند. حموی درباره شوم و نحس بودن ری، به جریان پیشنهاد عبیدالله بن زیاد برای حکمرانی ری به سعد بن ابی وقاص در ازای به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵). منابع و کتب شیعه نیز همین دلیل را برای شوم خواندن ری ذکر کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۲). برخی نیز بر این باورند که علت مذمت ری و دیگر شهرها سنی نشین بودن این مناطق و علایق غیر شیعی ساکنان این مناطق است. در مقابل برخی با نقد چنین دیدگاهی نسبت این دسته احادیث به معصوم را بعید دانسته‌اند (کریمی قهی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). شیخ عباس قمی علت شومی ری را جنگ اهل ری با امام مهدی علیه السلام دانسته است (قمی، ۱۴۱۴: ۴۳۴/۳). این درحالی است که به فرض پذیرش انتساب این حدیث به امام صادق علیه السلام، در این روایت هیچ اشاره‌ای به جنگ اهل ری با امام مهدی علیه السلام نشده است. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد، در قرآن و روایات ائمه علیهم السلام به فضیلت برخی از سرزمین‌ها همچون مکه، سرزمین طوی (آل عمران: ۹۶، طه: ۱۲-۱۱)، نجف (مجلسی، بی‌تا، ۲۳۲/۱۰۰)، کوفه (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ۱۹۰/۳) و شهرهای دیگر اشاره شده است؛ اما در مورد مذمت و نحسی سرزمین‌ها در قرآن و روایات هیچ اشاره‌ای نشده است. ابن‌فقیه در اخبارالبلدان روایتی دیگر به نقل از اهل‌البیت علیهم السلام، درباره نحسی ری نقل کرده است که امام بدیمنی کشتزار ری و باقی ماندن این بدیمنی را متذکر شده‌اند (ابن‌فقیه، ۱۴۱۶: ۵۴۳). این روایت نیز تنها در اخبارالبلدان به صورت مرسل، متفرد و غریب ذکر شده است و در هیچ یک از کتب حدیثی متقدم، متأخر و معاصر ذکر نشده است. با این اوصاف اولاً روایت شومی ری، ناسازگار با نص قرآن و سیره معصومان علیهم السلام است، دوماً در تراث حدیثی متقدم شیعه ذکر نشده است و

نسبت آن به معصوم علیه السلام کذب است. احتمال می رود این سخن بازتاب باور منجمان و جغرافی دانان درباره ری است که براساس آن طالع ری عقرب و نحس شمرده شده است. همان طور که ذکر این نحسی در اشعار شاعران عرب و عجم نیز رایج بوده است. بنابراین این روایت نشأت گرفته از باوری است که ریشه ای در معارف اسلامی ندارد.

یاقوت حموی در توصیف ری به نکته قابل تاملی اشاره می کند که احمد بن اسماعیل وقتی از دستگیری احمد بن هارون قاتل محمد بن زید داعی ناامید شد؛ تا نزدیک شهر ری آمد؛ ولی داخل ری نشد، وقتی مردم از او خواستند که حکومت ری را از خلیفه درخواست کند، امتناع کرد. ایشان دلیل ممانعت از پذیرش حکومت ری را نحسی و بدیمنی ری به سبب قتل امام حسین علیه السلام، نحسی طالع ری، یکسانی خاک دیلم و ری و نپذیرفتن حق توسط مردم ری بیان می کند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۲۱/۳). بنابراین احتمالاً این سخن احمد بن اسماعیل است که ری را نحس و خاک آن را با خاک دیلم یکسان دانسته است، نه روایتی که کلام معصوم علیه السلام باشد.

حدیث دوم:

«فی اخبارهم: الری ملعونة و تربتها تربة ملعونة دیلمیه و هی علی بحر عجاج تأبی ان تقول الحق...»

(ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۴۳؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۱۸)

در اخبار آل محمد علیهم السلام است که ری نفرین شده است و خاکش از خاک ملعون دیلمان است. این شهر بر کرانه دریای غبارآلود جای دارد که مردمش از گفتن حق سرباز زدند.
ارزیابی سندی:

ابن فقیه همدانی این روایت را در سده چهارم به صورت مرسل به ائمه علیهم السلام نسبت داده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۵۴۳). یاقوت حموی و مقدسی (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۸۵)، به نقل از وی این روایت را ذکر کرده اند؛ همه ارجاعات در کتب تاریخی شیعه به نقل از یاقوت حموی است و امکان احراز صدور حدیث به معصوم علیه السلام وجود ندارد. بنابراین این سخن کلام معصوم علیه السلام اگر باشد، مرسل و از نظر ارزیابی سند ضعیف است. به نظر می رسد این سخن، کلام معصوم نیست؛ چرا که اگر سخن معصوم بود، قطعاً در یکی از منابع حدیثی متقدم و متأخر ذکر شده بود.

ارزیابی متنی:

متن این روایت در معجم البلدان به عنوان دومین مصدر، دچار تصحیف در لفظ «تقول» است، بدین صورت که در اخبار البلدان «تقول الحق» و در معجم البلدان «تقبل الحق» ذکر شده است. در این



روایت ری، شهری برکرانه «بحر عجاج» ذکر شده است. «عجاج» در لغت به معنای غبار، گرد و غبار باد است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶۷/۱) و منظور از بحر عجاج دریای غبار آلود است؛ با این اوصاف این سوال مطرح است که آیا ری برکرانه دریای غبار آلود قرار دارد یا نه؟ در پاسخ باید گفت در کتاب‌های متقدم جغرافیا به آب‌ها و کاریزهای فراوان ری اشاره شده است؛ اما به رودخانه‌ای غبار آلود که ری در کرانه آن باشد؛ اشاره نشده است و همین امر نسبت این کلام به معصوم علیه السلام را دچار تردید می‌کند.

حدیث سوم

«روی محمد بن الریان عن إسماعیل الرازی قال: قال لی الحسن بن علی بن فضال: تعرف الدولاب؟ قلت: نعم، أعرفه. قال تعرف شجرة تسمى آزاد؟ قلت: لا. قال: فروی عن أبي عبدالله جعفر بن محمد رضی الله عنه أنه قال: إذا اتصلت حيطان المدينة بحيطان الدولاب فعندها توقعوا بلاء القوم، ثم تلا قول الله عزَّ وجلَّ «وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا». قال: الری» (ابن فقیهه، ۱۴۱۶: ۵۴۴).

محمد بن ریان از اسماعیل رازی نقل می‌کند که حسن بن علی بن فضال برای اسماعیل گفت: دولاب را می‌شناسی؟ گفتم: بله، گفت: درختی که نامش آزاد است را می‌شناسی؟ گفتم: نه! گفت: امام صادق علیه السلام فرمودند: آنجایی که به دیوار شهر دولاب می‌رسد، بلاء قوم آنجا واقع می‌شود. سپس ایشان آیه «وهیچ شهری نیست جز این که ما آن را پیش از قیامت به هلاکت یا به عذابی سخت گرفتار می‌سازیم. را تلاوت کردند. گفتند: ری.

ارزیابی سندی:

کهن‌ترین و تنهاترین منبع این روایت کتاب اخبارالبلدان ابن فقیه همذانی است. در کتب رجالی متقدم محمد بن ریان بن صلت ثقه معرفی شده است (طوسی، ۱۳۸۱: ۳۹۱). حسن بن علی بن فضال فطحی مذهب و موثق است (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۵۴؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۶۵). در کتب رجالی شخصی با عنوان اسماعیل رازی ذکر نشده است، اما شخصی با عنوان محمد بن اسماعیل رازی از حسن بن علی بن فضال روایت نقل می‌کند که مجهول الحال است (درایه النور، بخش ارزیابی اسناد). بنابراین، سند این روایت به علت تفرد و ضعف قابل اعتماد نیست.

ارزیابی متنی:

در متن روایت به درختی به نام «آزاد» و شهری به نام «دولاب» اشاره شده است. لغت‌شناسان «آزاد» را به معنای درخت به فارسی دانسته‌اند (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۰۴/۱؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۲۳۵/۳).

در کتب تاریخی و جغرافیا برای شهرهایی همچون قریه‌های ری، شهری در بغداد، شهری در اهواز و گیلان عنوان «دولاب» را ذکر کرده‌اند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۵۵، ۳۶۰؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ق، ۳۶۴/۱۶؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۶۸/۲)، اما بر اساس آنچه که در این روایت بیان شده منظور از دولاب قریه شهری است. اما آیا بنا بر تفسیر آیه ۵۸ اسراء بلاء و نابودی در ری واقع می‌شود یا نه؟! در تفسیر این آیه بزرگانی همچون صدوق، شیخ طوسی و دیگران؛ به هلاکت برخی از مردم به خاطر معصیت و نافرمانی از خدا اشاره کرده‌اند؛ اما هیچ اشاره‌ای مبنی بر اینکه مصداق و تأویل این آیه وقوع بلایی بر گروهی از مردم شهر دولاب ری باشد، سخنی به میان نیاورده‌اند (بحرانی، ۱۳۷۴: ۵۴۱/۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۹۷/۲؛ طوسی، بی تا، ۴۹۲/۶). تنها روایتی که تفسیر این آیه را چنین بیان کرده است؛ یک کتاب جغرافیا شهرها است. بنابراین عدم نقل این حدیث در کتب حدیثی و تفسیری متقدم احتمال ساختگی بودن این روایات را دو چندان می‌کند.

۲. مذمت شهری در منابع شیعه

در منابع امامیه تعداد معدودی از روایات در مذمت ری ذکر شده است شیخ صدوق این روایات را یکی از کتابهای حدیثی خود ذکر کرده است و محدثان امامیه در سده‌های بعدی این روایت را به نقل از کتاب ایشان ذکر کرده‌اند، در ذیل به ارزیابی آن‌ها پرداخته شده است.

حدیث اول

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ الصَّرِيرِيُّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ وَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَاطُوبِهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الرَّعْفَرَانِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُسْلِمُ بْنُ خَالِدِ الرَّنْجِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ وَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ سَيِّدَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُسْلِمِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالُوا كُلُّهُمْ... أَهْلُ مَدِينَةِ تُدْعَى الرَّيُّ هُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْدَاءُ رَسُولِهِ ﷺ وَ أَعْدَاءُ أَهْلِ بَيْتِهِ يَرُونَ حَزْبَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ جِهَادًا... أَهْلُ مَدِينَةِ تُسَمَّى الرَّوْرَاءُ تُبْنَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ... (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۰۶/۲؛ مجلسی، [بی تا]، ج ۲۱۲/۶۹؛ همو، [بی تا]، ج ۲۰۶/۵۷).

امام صادق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌فرمایند: ... مردمان شهری که ری خوانده می‌شود دشمنان خدا و دشمنان رسول



خدا و خاندان ایشان هستند. آنان جنگ با خاندان پیغمبر ﷺ را روا می‌شمرند... اهل شهری که در آخر الزمان بنا می‌شود، زوراء نامیده شده است.

ارزیابی سندی

این روایت را صدوق از مشایخ حدیثی خود نقل کرده است. برخی از این مشایخ همچون احمد بن یحیی بن زکریا القطان گرچه مجهول الحال است، شیخ صدوق وی را یکی از شیوخ اهل حدیث ذکر کرده و برای وی لفظ مترضیا به کار برده است (مامقانی، ۱۴۳۱: ۵۶/۲). علی بن احمد بن موسی، ابو بکر بن محمد، ابو معاویه ضریر، اعمش، عبدالله بن باطویه، علی بن محمد زعفرانی کوفی مسلم بن خالد زنجی مجهول الحال هستند. حسن بن شیبان ناشناخته است (درایه النور، بخش ارزیابی اسناد). محمد بن خالد برقی جمعی از علمای رجال همچون ابن غضائری درباره او گفته است از ضعفاء روایت نقل می‌کند و به مراسیل اعتماد کرده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۳۹). شیخ صدوق گرچه طرق متعددی برای این روایت ذکر کرده، اما این روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است. اصل روایت از نظر ترتیب سند مضطرب (حدیثی که به صورت‌های مختلف، نقل شده است این اختلاف در نقل روایت ممکن است از طرف یک نفر باشد؛ یعنی یک راوی متن یا سند روایت را به چند صورت نقل کرده باشد؛ یا چند راوی روایتی را به صورت‌های مختلف روایت کرده باشند؛ یا روایت در کتاب‌های مختلف با نسخه‌های مختلف یک کتاب به صورت‌های مختلف نقل شده باشد (مامقانی، ۱۴۲۸ - ۲۸۶/۱) است. علت اضطراب سند این روایت بکر بن عبدالله است؛ چرا که در دو سند بکر بن عبدالله دو بار تکرار شده است. در سند دیگر... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ بَكَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ معنا ندارد و مقول قال معلوم نیست به چه شخصی بر می‌گردد در حالی که احمد بن یحیی شاگرد بکر بن عبدالله است و نمی‌توان امام صادق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ را مقول قال بکر بن عبدالله قرار داد. اشکال دیگر بَكَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ وَ حَدَّثَنِي است که مشخص نیست منظور حدثنی چه شخصی است. بنابراین اسناد این روایت ظاهراً مضطرب است. همچنین از نظر متن هم مشوش است که باعث سستی حدیث شده است؛ زیرا در طریقی که شیخ صدوق بیان کرده بنا بر تصریح ایشان در ابتدا روایت در طریقی که مسلم بن خالد و جمعی از امام ششم رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت کرده‌اند سیزده صنف از امت و در روایت تمیم بن بهلول شانزده صنف از امت جدم محمد رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ما را دوست ندارند.

ارزیابی متنی

در صورت صدور این حدیث از معصوم، منظور ایشان عمومی نیست و متعلق به مردمان دوره خود

حضرت است، این شانزده صنف مخالف ائمه بودند. برخی هم جمله «يُرُونَ حَزَبَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ» را اشاره به شرکت برخی از مردم ری در سرکوب یحیی بن زید دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳).

نکته‌ای که شاید خیلی مهم و اساسی باشد این است که در این روایت اشاره شده که: «... تُسَمَّى الرَّوْرَاءَ تُبْتَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ...» شهر زوراء در آخرالزمان بنا می‌شود. بنابراین با بناء شهر ری که قدمت آن سده هشتم قبل از میلاد است، منافات دارد. مردم ری گرچه در برهه‌ای از زمان به ناصبی‌گری روی آوردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵/۳ - ۴۱۳)، اما ناصبی‌گری ایشان تداوم نداشت. وجود حاکمیت آل بویه، اصحاب ائمه علیهم‌السلام و نواب امام در این شهر، باعث اقتدار و گسترش تشیع در ری بود. بنابراین به‌صورت مطلق نمی‌توان پذیرفت که همه اهل ری دشمن اهل بیت علیهم‌السلام باشند.

حدیث دوم

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ نَصْرِ الْكُوسَجِ عَنْ مُطَّرَفٍ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَدْخُلُ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ قَلْبَ سِنْدِي وَلَا زِنْجِي وَلَا خُوَزِي وَلَا كُرْدِي وَلَا بَرْبَرِي وَلَا نَبِكِ الرَّيِّ وَلَا مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ مِنَ الرَّثَا (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۵۲/۲؛ مجلسی، [بی‌تا]، ج ۲۷۷/۵، همو، [بی‌تا]، ج ۷۰/۱۰۸، حرعاملی، ۱۴۱۸: ۲۵۹/۳).

امام فرمود: هفت دل شیرینی ایمان را دریافت نکنند، دل سندی، زنجی، خوزستانی، کرد، بربری و مردم زمین پر نشیب و فراز ری و کسی که زنازاده باشد.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ يُرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سِنَّةٌ لَا يُجْبُونَ السَّنْدِيَّ وَالزَّنْجِيَّ وَالتُّزْكَيَّ وَالْكَرْدِيَّ وَالْخُوَزِيَّ وَنَبِكِ الرَّيِّ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۲۸/۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند: شش گروه نجیب نمی‌شود: سندی، زنگی، ترکی، کردی، خوزستانی و نشیب و فرازهای ری.

ارزیابی سندی

این روایات را شیخ صدوق در کتاب خصال ذکر کرده است. در سند روایت اول احمد بن ادریس ثقه و جلیل القدر است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۲؛ طوسی، [بی‌تا]، ص ۶۴، ۶۱۰). نجاشی محمد بن احمد بن عمران اشعری را با وجود نقل روایت از ضعفاء ممدوح دانسته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۴۸). برخی سهل بن زیاد، را به فساد در مذهب متهم کردند (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۶۷). احمد بن محمد بن عیسی اشعری شهادت بر غلو سهل بن زیاد داد و وی را از قم اخراج کرد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵).



نجاشی منصور بن عباس را مضطرب دانست (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۴۳)، اما برخی از رجالیان معاصر سهل بن زیاد را موثق دانسته‌اند (درایة النور، بخش ارزیابی اسناد). نصرالکوسج و مطرف مولی معن مجهول الحال هستند. سند روایت به صورت مرفوع است و از نظر اعتبار ضعیف است (درایه النور، اسناد صدوق، بخش ارزیابی اسناد). در سند روایت دوم افرادی ثقه همچون محمد بن حسن بن ولید (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۳؛ طوسی، [بی‌تا]/۴۴۲؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۳۹؛ محمد بن صفار (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۵۴)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (نجاشی، ۱۴۰۷: ۵۹؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۳۵۱) و سعید بن جناح وجود دارند؛ اما روایت از نظر اتصال مرفوع و از نظر اعتبار ضعیف و قابل اعتماد نیست (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۲۸/۱).

ارزیابی متنی

در متن این دو روایات چشیدن ایمان قلبی از هفت گروه و نجابت از شش گروه نفی شده است. با این تفاوت که در روایت اول عبارت «وَلَا مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ مِنَ الرِّثَا» اضافه شده است. لغت شناسان واژه «نبک» را جای مرتفع دارای فراز و نشیب معنا کرده‌اند (ابن درید، ۱۹۸۸: ۳۸۶/۵)؛ شبانی، ۱۹۷۵: ۲۱۶/۱)، اما مصحح خصال بر این عقیده است که ممکن است «نبک الری» تصحیف شده «بنک الری» باشد (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۲۸/۱) که در این حالت «بنک الری» که در این حالت منظور روایت تهرانی خالص، خانواده‌های اصیل شهر ری و یا بزرگان ری تعبیر و معنا می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۸۹: ۵/۳۸۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۲۷/۱۳)، اما بنابر زمان صدور حدیث «بنک الری» مکانی در منطقه ری که دارای پستی و بلندی است؛ صحیح تر به نظر می‌رسد. اگر فرض را بر این قرار دهیم که سبب صدور روایتی که هفت گروه ایمان وارد دل‌هایشان نمی‌شود جریان افراد لایبالی است که از شهرهای دیگر به مدینه آمده بودند و در مدینه کارهای خلاف انجام می‌دادند. این فرض صحیح نیست؛ چرا که تنها گزارش تاریخی درباره هم پیمانی مردم ری و چند شهر ایران برای نابودی اعراب در زمان خلافت عمر اتفاق افتاد و اضطراب عمر از شنیدن این خبر را به همراه داشت که با ارشادات امیر المؤمنین علیه السلام به عمر از آشوب و نزاع جلوگیری شد (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۸/۱) و هیچ گروهی مورد نکوهش قرار نگرفت. نکته دیگر در نقد این روایت نکوهش ملت‌ها و نژادها است که با معارف قرآنی و روایی منافات دارد؛ چرا که خداوند زمینه پذیرش ایمان را از هیچ کس دریغ نمی‌کند مگر اینکه بنده خودش ایمان و مراتب کمال را از خود سلب کند. در قرآن آیات بسیاری بر افزایش و کاهش ایمان دلالت دارند (فتح/۴؛ انفال/۲؛ توبه/۱۲۴). روایاتی از معصومان علیهم السلام، درباره درجات

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴۲/۲) و حقیقت ایمان (برقی، ۱۳۷۱: ۲۰۵/۱)، برترین ایمان (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۲۹) یا افعالی که باعث می شود ایمان انسان کامل نگردد (مجلسی، [بی تا]، ج ۳۱۱/۶۴؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۴؛ ابن ابی الحدید، [بی تا]، ج ۵۱/۱۸) بیان شده است، اما در هیچ یک از این روایات داخل شدن ایمان در قلوب گروهی به صورت مطلق نفی نشده است. بنابراین به نظر متن این روایت با آیات و روایات و منقولات تاریخی ناسازگار است. علاوه بر دلایل بیان شده، این روایت در هیچ کدام از جوامع چهارگانه متقدم حدیثی ذکر نشده است. از آنجا که گرایش های شخصی، قومی و قبیله ای گاه باعث می شد که برخی از عالمان گمراه شده و برای پیروی بر رقیبان از دانش و اعتبار خود سوء استفاده می کردند و به جعل اخبار نژاد، زبان، منطقه خاص و یا قبیله ای را مورد مدح یا نکوهش قرار می داد. برخی از این روایت سازی ها با اهداف سیاسی انجام می گرفت و انگیزه آن ها تنزل محبوبیت فرزندان امام علی علیه السلام در میان فارسی زبان ها بوده است (مسعودی، ۱۳۹۴: ۱۴۲ - ۱۴۳). بنابراین در این روایات نیز همین تعصبات قومی و نژادی مشاهده می شود که احتمالاً با هدف تفرقه افکنی بین فرق مسلمان و از روی تعصبات قومی و نژادی به جعل چنین روایاتی منتهی شده است.

ج. روایات آخرالزمان ری و ارزیابی آن

علاوه بر روایات مذمت ری در تراث حدیثی و غیره حدیثی، روایاتی درباره عداوت و جنگ مردم ری با اهل البیت علیهم السلام و ویرانی این شهر در آخرالزمان نیز در این کتب یافت می شود. در برخی روایات ری با عنوان «زوراء» یاد شده است. در ذیل به بررسی و ارزیابی سند و متن این روایات پرداخته می شود.

۱. روایات ری در منابع شیعه با نام زوراء

بررسی ها نشان داد روایاتی که وقایعی را ری در آخرالزمان ذکر کرده اند، فقط در امامیه ذکر شده و منابع اهل سنت روایتی در این باره ذکر نکرده اند. در ذیل به بررسی و ارزیابی این روایات پرداخته شده است.

روایتی که به صراحت به لفظ ری اشاره کرده اند:

«أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى وَ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَعْلَمِ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ وَ ابْنِ أُذَيْنَةَ الْعُبَيْدِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ جَمِيعاً عَنْ يَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَدِينَةً وَ طَائِفَةً يَحَارِبُ الْقَائِمُ أَهْلَهَا وَ يَحَارِبُونَهُ أَهْلُ مَكَّةَ وَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ وَ



أَهْلُ الشَّامِ وَ بَنُو أُمِّيَّةَ وَ أَهْلُ الْبَصْرَةِ وَ أَهْلُ دَسْتَمِيسَانَ وَ الْأَكْرَادَ وَ الْأَعْرَابَ وَ صَبَّهَ وَ غَنِي وَ بَاهِلَةَ وَ أَزْدَ وَ
أَهْلُ الرَّيِّ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۹۹).

سیزده شهر و طائفه هستند که مردم آن با حضرت قائم علیه السلام به نبرد می‌پردازند و حضرت با آنان می‌جنگند: اهل مکه، مدینه، شام، بنی امیه، بصره، دشت میسان، کردها و اعراب قبایل بنی ضبه، غنی، باهله، ازد و اهل ری.
ارزیابی سندی:

این روایت دارای سند عطفی است، همه اسناد از طریق یعقوب سراج که شخصیتی ثقه است، نشر پیدا کرده است، اما در همه اسناد افراد غالی و مجهول الحالی همچون محمد بن علی صیرفی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۳؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۶؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۵؛ طوسی، [بی‌تا]/۴۱۲، محمد بن صدقه (طوسی، [بی‌تا]/۳۶۶)، عبیدالله بن موسی، علی بن محمد و احمد بن علی الاعلم نیز وجود دارند. محمد بن سنان زاهری، اقوال مختلفی درباره وی بیان شده است (کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۶ ص ۵۰۸، ۵۸۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۸). بنابراین سند روایات از نظر ارزیابی ضعیف و غیر قابل اعتماد است.
ارزیابی متنی:

متن روایت حاکی از جنگ و عداوت مردم سیزده شهر و طایفه با امام مهدی علیه السلام است که اهل ری نیز یکی از این شهرها است. مسئله قابل طرح این است که آیا می‌توان به صورت مطلق پذیرفت که مردم این نواحی با امام مهدی علیه السلام وارد جنگ می‌شوند یا نه؟

در پاسخ باید گفت از آنجا که از صدر اسلام تاکنون برخی از طوائف و ساکنان شهرها با امام آن عصر مخالفت کردند، بعید نیست که در این شهرها نیز چنین اتفاق و تحولات ویژه‌ای در آخرالزمان رخ دهد و تعداد مخالفان امام مهدی علیه السلام بیشتر از موافقان باشند؛ ولی اینکه به صورت مطلق همه مردم این شهرها مخالف امام باشند و با ایشان وارد جنگ شوند دور از ذهن و قابل پذیرش نیست؛ چرا که این روایت معارض با روایاتی است که در فضیلت مکه و مدینه نقل شده است و همانطور که این روایت دلالت بر مذمت مکه و مدینه نمی‌کند، دلالت بر مذمت ری نیز نمی‌کند. در برخی روایات دیگر، شهرها و مناطقی ذکر شده است که تعدادی از مردمان این مناطق با امام به مخالفت برمی‌خیزند. برای نمونه بین امام مهدی علیه السلام و برخی مخالفان در حجاز، عراق، فلسطین و برخی مناطق دیگر جنگ صورت می‌گیرد (کورانی، بی‌تا، ۹۸). بنابراین نمی‌توان پذیرفت که به طور مطلق اهل ری با امام زمان وارد جنگ می‌شوند. بنابراین عداوت همه اهالی یک شهر با امام مهدی علیه السلام، مخالف با

معارف اسلامی و عقل است.

زوراء از ماده «زور» به معنای کژی، انحراف، کمان و چاه گود است. بغداد را به این دلیل زوراء نامیده‌اند که مسیر رود دجله، نرسیده به این شهر منحرف می‌شود. یاقوت علاوه بر معنای لغوی زوراء به تطبیق آن با برخی مکان‌ها همچون: ۱. خانه عثمان بن عفان در مدینه. ۲. سرزمینی در بدی خیم. ۳. خانه‌ای که نعمان بن منذر بنا کرد. ۴. مکانی در بازار مدینه نزدیک مسجد و معانی دیگر پرداخته است. یاقوت به نقل از ازهری، شهری که به علت انحراف قبله‌اش زوراء نامیده شد، در جانب شرقی بغداد ذکر می‌کند. وی، همچنین ذکر می‌کند زوراء شهری است که ابی جعفر منصور دوانیقی آن را در جانب غربی بغداد بنا کرد. یاقوت به کلام بطلمیوس، در کتاب ملحمه که زوراء را در اقلیم پنجم، به طول جغرافیایی ۱۰۵ درجه، عرض ۳۹ درجه و طالع نه درجه از برج عقرب نیز اشاره می‌کند؛ اما دقیقاً موقعیت مکانی این شهر را مشخص نکرده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۵۷/۳ - ۱۵۵). در روایات بسیاری از معصومان علیهم‌السلام به عناوین مختلف زوراء را بغداد و یا بخشی از اطراف بغداد ذکر کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۶۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲۷۸ - ۲۸۰؛ مجلسی، بی‌تا، ۲۷۳/۵۲ - ۲۷۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۶۹/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۱۹۹؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۵۵۲/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۳۹۳/۱). خطیب بغدادی در روایتی به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نقل می‌کند که ایشان زوراء را شهری بین دو نهر بیان کرده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۶۳/۱). بنابراین زوراء همان بغداد و یا بخشی از اطراف بغداد است.

حدیث اول

«سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: تَمَثَّلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِبَيْتِ شِعْرِ لِبْنِ أَبِي عَقِبٍ وَ يَنْحَرُ بِالزُّورَاءِ مِنْهُمْ لَدَى الصُّحَى ثَمَانُونَ أَلْفًا مِثْلَ مَا تَنْحَرُ الْبُذُنُ أَوْ رَوَى غَيْرُهُ الْبُزْلُ] ثُمَّ قَالَ لِي تَعْرِفُ الزُّورَاءَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَقُولُونَ أَنَّهَا بَغْدَادُ قَالَ لَا ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه وآله دَخَلْتُ الرَّيَّ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَتَيْتَ سَوْقَ الدَّوَابِّ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ رَأَيْتَ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ عَنِ يَمِينِ الطَّرِيقِ تِلْكَ الزُّورَاءُ يَقْتُلُ فِيهَا ثَمَانُونَ أَلْفًا مِنْهُمْ ثَمَانُونَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ فَلَانٍ كُلُّهُمْ يَصْلُحُ لِلْخِلَافَةِ قُلْتُ وَ مَنْ يَقْتُلُهُمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ يَقْتُلُهُمْ أَوْلَادُ الْعَجَمِ» (كلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۷/۸).

معاویة بن وهب گوید: امام صادق صلى الله عليه وآله به شعری از ابن ابی‌عقب تمثّل جست که گوید: (در هنگام ظهر در «زوراء» هشتاد هزار تن همچون شتر قربانی شوند). سپس به من فرمود: زوراء را می‌شناسی؟ من عرض کردم: قربانت! می‌گویند: زوراء همان بغداد است! فرمود: نه! سپس فرمود: آیا به «ری» رفته‌ای؟ عرض کردم: آری، فرمود: بازار چهارپایان رفته‌ای؟ عرض کردم: آری. فرمود: آن کوه سیاه در



طرف راست جاده را دیده‌ای؟ همان زوراء است که هشتاد هزار از ایشان - که هشتاد نفرشان از فرزندان فلان هستند و همه آن‌ها شایسته خلافت هستند - در آنجا کشته شوند. فرمود: پسران عجم آن‌ها را خواهند کشت.

ارزیابی سندی:

این روایت نخستین بار در روضه کافی ذکر شده است. علامه مجلسی حکم به ضعف این حدیث داده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۴/۲۶). اما برخی از معاصرین سند این حدیث را صحیح دانسته‌اند (درایه النور، بخش ارزیابی اسناد). با این وجود رجالیان متقدم در سند این روایت، فقط معاویه بن وهب (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۲) را توثیق کرده‌اند. سهل بن زیاد، بکر بن صالح و محمد بن سنان در دیدگاه رجالیان به ترتیب عالی و فاسد المذهب (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۶۷)، ضعیف (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۴۴)، کذاب (کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۹) ذکر شده‌اند. بنابراین روایت از نظر ارزیابی ضعیف و غیر قابل اعتماد است.

ارزیابی متنی:

مجلسی در ارزیابی متن، به بیان لغت شناسان درباره «زوراء» استناد کرده است. ایشان چهار دیدگاه در مورد «زوراء» بیان می‌کند: ۱. امام در این روایت بغداد قدیم را نفی فرموده است. ۲. در بغداد منطقه‌ای وجود داشته است که نامش (ری) بوده است. ۳. جریان کشته شدن هشتاد هزار نفر، اشاره به آن جنگی دارد که در زمان مأمون عباسی در بغداد اتفاق افتاد و گروه زیادی از بنی عباس در آن جنگ کشته شدند. ۴. «زوراء» در این روایت نام منطقه‌ای در ری است و به حادثه‌ای که در زمان قیام یا در نزدیک ظهور امام مهدی عج روی خواهد داد، اشاره دارد. ابن‌عقبه این جریان را از معصوم قبلاً شنیده و بعد آن را به صورت شعر بیان کرده است (مجلسی، [بی‌تا]، ج ۶۴/۲۶). ایشان روایتی را در مجلد دیگر بحارالانوار ذکر می‌کند که زوراء همان بغداد است و با گفته ایشان که زوراء منطقه‌ای است در ری منافات دارد (مجلسی، [بی‌تا]، ج ۲۱۱/۱۴). در کتب جغرافیا شهرها و روایات معصومان علیهم‌السلام، نیز همان طور که بیان شد، تاکید بر این است که زوراء مکانی نزدیک بغداد یا همان بغداد است.

حدیث دوم

«منتخب التواریخ فی فصل علائم الظهور عن العلامة المجلسی، عن المفضل بن عمر، عنه علیه‌السلام قال: یا مفضل أتدری أينما وقعت الزوراء؟ قال: قلت: الله وحجته أعلم. فقال: أعلم یا مفضل أن فی حوالی الری جبلاً أسود یبتنی فی ذیله بلدة تسمى بالطهران وهی دار الزوراء التی تكون قصورها كقصور الجنة ونسوانها

كحور العين. واعلم يا مفضل، أنهن يتلبسن بلباس الكفار ويتزين بزى الجبابة، ويركبن السروج، ولا يتمكن لأزواجهن، ولا تفي مكاسب (مساكن) الأزواج لهن فيطلبن الطلاق منهم، ويكتفى الرجال بالرجال والنساء بالنساء، وتشبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال. فإنك إن تريد حفظ دينك، فلا تسكن ثفي هذه البلدة، ولا تتخذها مسكناً، لأنها محل الفتنة، وفر منها إلى قلة الجبال، ومن الحجر إلى الحجر كالثعلب بأشباهه» (مرندی، ۱۳۸۱: ۲۹۷).

امام فرمودند: ای مفضل آیا میدانی؟ زوراء کجا واقع شده است؟ عرض کردم خدا و حجتش دانانترند. فرمود: بدان ای مفضل در حوالی ری کوه سیاهی است. که در دامن آن شهری بنا شده است که طهران نامیده شود و آن است زوراء که قصرهایش مثل قصرهای بهشت و زنهایش مثل حورالعیین است. بدان ای مفضل آن زنها متلبس به لباس کفار می شوند و در هیئت ظالمان می باشند و به محل سکونت شوهرها کفایت نمی کنند و ایشان درخواست طلاق می کنند و مردها به مردها و زنها به زنها اکتفاء می کنند و مردها شبیه به زنها و زنها شبیه به مردها می شوند؛ پس اگر تو بخواهی دینت را حفظ کنی پس در این شهر سکونت و مسکن برای خود قرار مده چون محل فتنه است. پس از آنجا به قله کوهها و از سوراخی به سوراخی مثل روباه و بچه اش فرار کن.
ارزیابی سندی:

کهن ترین منبع این روایت کتاب مجمع النورین و ملتقى البحرين مرندی در سده ۱۳ هجری، است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۲۴۸/۸). ایشان در برخی از تالیفاتش روایاتی مربوط به نشانه های ظهور و آخر الزمان نقل کرده که فاقد سند و در منابع حدیثی ذکر نشده اند و در مورد آنها تطبیقاتی صورت گرفته است. (شهبازیان و آیتی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). ایشان این روایت را به نقل از علامه مجلسی از مفضل بن عمر از معصوم علیه السلام، به صورت مضمَر (عنه) نقل کرده است. بعد از ایشان ملاهاشم خراسانی در کتاب منتخب التواریخ این روایت را گزارش کرده است (خراسانی، بی تا، ۸۷۵).
ارزیابی متنی:

این در حالی است که اولاً، روایتی با چنین مضمون در هیچ یک از تألیفات علامه مجلسی و مجامع روایی متقدم ذکر نشده است. ثانیاً، روایاتی که شیخ مرندی از بحارالانوار به نقل از کتاب هدایة الکبری و از مفضل بن عمر نقل نموده غیر از آن چیزی است در این کتب ذکر شده است (شهبازیان و آیتی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). بنابراین احتمال ساختگی بودن این روایت تقویت می شود. ثالثاً در متن روایت امام مفضل بن عمر را از رفتن به طهران نهی می نمایند. طهران در قدیم از قریه های ری بوده



است، این شهر واقع در کوهپایه جنوبی کوه‌های البرز مرکزی و تا کناره کویر جنوب گسترده شده است و در هیچ روایتی به شهری با عنوان طهران اشاره نشده است.

لفظ «الزوراء» که در این روایت تهران عنوان شده است. در روایات به صورت صریح به بغداد یا اطراف بغداد اشاره شده است، (حلی، ۱۴۲۱: ۸۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۷۳/۲ - ۲۷۶). بنابراین اینکه زوراء همان ری باشد تقریباً منتفی است. رابعاً نکته اساسی در نقد این روایت جعل احادیث توسط شیخ ابوالحسن مرندی است. ایشان به علت مخالفت شدید که با مشروطه داشت و آن را عامل تغییر مخالف احکام محکّمات قرآن و شرع پیامبر ﷺ می‌دانست (ابوالحسن، مرندی، «صواعق سبعة» به نقل از حسین آبدیان، مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه، ۴۹؛ ر.ک: «برهان سوم»؛ در ابوالحسن مرندی، به نقل از غلامحسین، زرگری نژاد، ۲۳۰ - ۲۱۲، ۲۱۵؛ برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: شهنازیان و آیتی، ۱۳۹۳: ۱۲۶ - ۱۳۳) روایاتی را به نقل از معصومان بر ساخته و به نقل از مفضل به امام نسبت داده است.

حدیث سوم

«أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدِّيَنَوْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِيرَةُ بِنْتُ أُوَيْسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَمْرَةَ عَنْ كَعْبِ الْأَخْبَارِ... إِنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ غَيْبَةٌ كَغَيْبَةِ يُوسُفَ... وَ حَرَابِ الرَّؤَرَاءِ وَ هِيَ الرَّيُّ وَ حَسَفِ الْمُرَوَّرَةِ وَ هِيَ بَعْدَادُ وَ حُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ حَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فُثَيَانَ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذْرِيْبَجَانَ تِلْكَ حَرْبٌ يَقْتُلُ فِيهَا الْوُفَّ وَ الْوُفُّ كُلُّ يَمْبُضٍ عَلَى سَيْفٍ مُحَلِّي تَخْفِقُ عَلَيْهِ زَابِثٌ سُودٌ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ الْأَغْبَرُ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۴۷؛ ابن عقده کوفی، ۱۴۲۴: ۱۰۴؛ حلی، ۱۴۲۱: ۴۴۵؛ مجلسی، بی‌تا، ۲۷۴/۵۲).

همانا قائم از فرزندان علی علیه السلام دارای غیبتی است همچون غیبت یوسف... همزمان با ویرانی زوراء که شهر ری است، و فرو رفتن مزوره که همان بغداد باشد و خروج سفیانی، و جنگ فرزندان عباس با جوانان ارمنستان و آذربایجان چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند، هر جنگجو شمشیری زیور یافته به دست می‌گیرد، پرچمهای سیاه بر آن به اهتزاز در می‌آید، آن جنگی است که به مرگ سرخ و طاعون بسیار خطرناک آمیخته است.

ارزیابی سندی:

رجالیان امامیه احمد بن محمد بن سعید (ابن عقده) را گرچه زیدی جارودی است؛ توثیق کرده‌اند

(نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۴؛ طوسی، [بی-تا]/۶۹؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۴۰۹). علی بن حسن کوفی ثقة فطحی مذهب است. (کشی، ۱۳۴۸: ۳۴۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۸؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۲۷۳). احمد بن محمد دینوری، عمیره بنت اوس و حصین بن عبدالرحمن مجهول الحال هستند. کعب الاحبار دروغگو است. بنابراین روایت مذکور در ارزیابی سندی ضعیف و قابل اعتماد نیست.

ارزیابی متنی:

در متن روایت، وقایع آخرالزمان و ویرانی منطقه زوراء که در این روایت ری عنوان شده، قابل تأمل است. در مقابل روایتی صدوق نقل می‌کند که قسمتی از روایت هم مضمون با روایت مد نظر است با این تفاوت که خبر از خروج جریان یا شخصی با نام شروسی می‌دهد که از ارمنستان و آذربایجان خروج می‌کند و به سمت کوههای طالقان، نزدیک ری هجوم می‌آورد و بعد از جنگ سخت به زوراء می‌رود و از آنجا به ماهان و به وسط عراق می‌رود (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۶۹/۲). بنابراین از روایت چنین برداشت می‌شود که ری زوراء نیست و زوراء نام بخشی از اطراف بغداد است.

نتیجه

بررسی‌های سندی نشان داد کهن‌ترین منبع روایات مذمت ری کتاب البلدان ابن‌فقیه همدانی، مورخ و جغرافی‌دان اهل سنت است. بیشتر روایات مذمت ری از این منابع غیر حدیثی همچون کتب تاریخی و جغرافیا شهرها وارد تراث حدیثی شیعه شده است که اسنادی مرسل و متفرد دارند. به غیر از روایتی که در روضه کافی ذکر شده است، روایاتی که در تراث حدیثی شیعه وارد شده، در هیچ یک از جوامع حدیثی متقدم ذکر نشده است و جوامع متاخر در قرن هفتم مانند بحارالانوار نخستین منبع حدیثی برای این نوع احادیث در شیعه است. همین امر احتمال ساختگی بودن روایات را زیاد می‌کند. این دسته از روایات ری به صورت مرسل و غریب و از نظر ارزیابی سندی ضعیف و غیر قابل اعتماد هستند. ارزیابی متنی نشان می‌دهد که برخی از این روایات نشأت گرفته از باور به نحسی و بدیمنی طالع ری به علت قرار گرفتن در برج عقرب است. در حالی که در قرآن و روایات هیچ سرزمینی شوم خوانده نشده است. برخی دیگر از این روایات مذمت نیز سخنان مشهور برخی بزرگان است که به معصومان نسبت داده شده است. روایتی نیز درباره وقایع شهر ری ذکر شده که از این شهر با نام طهران یاد کرده است. بررسی‌ها نشان داد این روایت توسط برخی از عالمان به علت حساسیت و مخالفت با اوضاع اجتماعی سیاسی در سده چهاردهم جعل شده و به معصومان نسبت داده شده است. در بین این



روایات، روایتی نیز حاکی از پیشگویی امام دربارهٔ حمله مغول به ری است. در برخی روایات زوراء همان ری ذکر شده است بررسی‌ها نشان می‌دهد که زوراء با توجه به روایات و همچنین گزارشات تاریخ و جغرافیا بغداد یا مکانی در نزدیکی بغداد است و منظور از زوراء ری نیست.

منابع:

۱. قرآن کریم، مترجم: ابوالفضل بهرام پور، تهران: مؤسسه نشر شهر، چاپ اول، ۱۳۸۸م.
۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، محمد محسن، گردآورنده: حسینی، احمد بن محمد، بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳م.
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محقق و مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره)، بی جا، بی تا.
۴. ابن الاثیر، علی بن ابی الکرّم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵م.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، محق: مصحح: حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸م.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، محق: مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲م.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵م.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۵م.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دارصادر، چاپ اول، ۱۳۲۵م.
۱۰. ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمد، آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳م.
۱۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین قم: چاپ دوم، ۱۴۰۴م.
۱۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۱۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹م.
۱۴. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل امیرالمؤمنین (ع)، قم: چاپ اول، ۱۴۲۴م.
۱۵. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال لابن الغضائری، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲م.
۱۶. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الائمة، محقق و مصحح: رسولی محلاتی،



- سید هاشم، تبریز: چاپ اول، ۱۳۸۱م.
۱۷. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول ۱۷، ۱۴۲۱م.
۱۸. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، محقق و شارح: صقر، احمد، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹م.
۱۹. امین احمد رازی، تذکرة هفت اقلیم، تصحیح: طاهری، سید محمد رضا، تهران: سروش، ۱۳۷۸م.
۲۰. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر قرآن، محقق و مصحح: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسة البعثة، قم: مؤسسه بعثه، چاپ اول، ۱۳۷۴م.
۲۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق و مصحح: محدث، جلال الدین، قم: دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱م.
۲۲. بلاذری، ابو الحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دار و مكتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
۲۳. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲م.
۲۴. جباری، محمد، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۲م.
۲۵. جعفریان، رسول، تاریخ گسترش تشیع در ری، قم: آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۷۱م.
۲۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، محقق و مصحح: عطار، احمد عبد الغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول، بی تا.
۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، محقق و مصحح: القائینی، محمد بن محمد حسین قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا، چاپ اول، ۱۴۱۸م.
۲۸. حسینی، بی بی زینب و جلالی، مهدی، بررسی روایات فضائل و مثالب قم: علوم حدیث، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱ش.
۲۹. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، قم: چاپ اول، ۱۴۲۱م.
۳۰. حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، محقق و مصحح:

- درگاهی، حسین، تهران: وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۱م.
۳۱. خاقانی شروانی، بدیل بن علی، دیوان خاقانی شروانی، تصحیح: سجادی، ضیاء الدین، تهران: زوار، ۱۳۸۲م.
۳۲. خراسانی، محمد هاشم، منتخب التواریخ، تهران: اسلامیة، بی تا.
۳۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: عطا، مصطفی عبدالقادر، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۷م.
۳۴. دارمستتر، جیمس، ونیدیا، ترجمه: موسی، جوان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۸م.
۳۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین (تا آذرماه ۱۳۴۵ش) و سیدجعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷م.
۳۶. ذهبی، الشمس الدین، سیراعلام النبلاء، محقق: الارناووط، شیخ شعیب، بی جا: مؤسسه الرساله، چاپ سوم، ۱۴۰۵م.
۳۷. ذهبی، الشمس الدین، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام، محقق: عمر، عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
۳۸. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، محقق و مصحح: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۹م.
۳۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول، (۱۴۱۲)م.
۴۰. زرکلی، خیر الدین، الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ هشتم، ۱۹۸۹م.
۴۱. شوشتری، نور الله بن شریف الدین، مجالس المومنین، مصحح: عبد منافی، احمد، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۷م.
۴۲. شهبازیان، محمد و آیتی، نصرت الله، «نقد و بررسی نشانه‌های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی»، فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود، سال چهاردهم، شماره ۶، ۱۳۹۳م.
۴۳. شیبانی، اسحاق بن مرار، کتاب الجیم، قاهره: الهیئة العامة لشنون المطابع الامیریة، چاپ اول، ۱۹۷۵م.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، محقق و مصحح: مؤسسة البعثة، قم: دارالثقافة، چاپ



اول. (۱۴۱۴م).

۴۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: قصیر عاملی، احمد، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول. بی تا.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، نجف: المكتبة المرتضوية، بی تا.
۴۷. طوسی، محمد بن حسن، رجال الشیخ الطوسی، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱م.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، محقق و مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، قم: دارالمعارف الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۴۹. عبدالغنی مرسی، کمال الدین، اتجاه مدرسه ری فی نقدالحديث نبوی، [بی جا]، دارالمعرفه الجامعیه، ۱۴۱۸م.
۵۰. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، محقق و مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰م.
۵۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹م.
۵۲. قرشی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۱۲م.
۵۳. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴م.
۵۴. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم: ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱م.
۵۵. کریمان، حسین، ری باستان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵م.
۵۶. کریمی قهی، منصوره، انگیزه‌های فضیلت سازی برای اقوام و شهرها، تاریخ پژوهان، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۷ش.
۵۷. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد: انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۸م.
۵۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محق: مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷م.
۵۹. کوفی، ابو محمد احمد بن اعثم، الفتوح، بیروت: دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۱م.
۶۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، محقق و مصحح: کاظم، محمد، تهران: مؤسسه الطب و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰م.
۶۱. کورانی، علی، عصر ظهور، مترجم: عباس جلالی، [بی جا]: دفتر تبلیغات اسلامی. [بی تا]،

۶۲. گروهی از نویسندگان، دائره المعارف تشیع، زیر نظر: کاظم موسوی بروجردی، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات جیان، ۱۳۷۵م.
۶۳. لسترنج، گای، جغرافیای سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه: محمود، عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۷م.
۶۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، محقق: مامقانی، محی‌الدین، محقق: مامقانی، محمدرضا، قم: موسسه آل‌البتیت علیه السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱م.
۶۵. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم دارية، تحقیق: محمدرضا، مامقانی، قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۸م.
۶۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: چاپ دوم. [بی تا]،
۶۷. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، محقق و مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران: دارالکتب السلامیة چاپ دوم، ۱۴۰۴م.
۶۸. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، محقق و مصحح: شیری، علی، بیروت: دارالفکر، چاپ: اول. (۱۴۱۴م).
۶۹. مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ: چهارم، ۱۳۹۴م.
۷۰. مفید، محمد بن محمد، الامالی، محقق: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳م.
۷۱. مفید، محمد بن محمد، الامالی، ارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محقق و مصحح: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳م.
۷۲. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، [بی جا]: مکتبه مدبولی، چاپ سوم، ۱۴۱۱م.
۷۳. ملکی میانجی، علی، جغرافیای ری، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۳م.
۷۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷م.
۷۵. نجفی رازی، ابوالحسن بن محمد، مجمع النورین و ملتقى البحرين، تحقیق: جعفری زنجانی، سیدحسین، قم: انتشارات آل‌عبا علیهم السلام، چاپ اول، ۱۳۸۱م.
۷۶. نمازی شاهرودی، علی، تحقیق: حسن بن علی شاهرودی، مستدرک سفینة البحار، قم:



مؤسسه نشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين، بی تا.

۷۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة نعمانی، محق: مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: چاپ اول، ۱۳۹۷م.

۷۸. همذانی، احمد بن محمد بن اسحاق (ابن فقیه)، اخبارالبلدان، تحقیق: یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶م.

۷۹. یاقوت حموی، شهاب الدین، محقق: احسان عباس، معجم الادباء ارشاد الاریب الی معرفه الادیب، بیروت: دارالغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴م.

۸۰. یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.

۸۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر. بی تا.

۸۲. درایة النور. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور. نسخه ۱/۲